

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Representation of Afghan Women's Presence in Gender-Discriminatory Spaces
(A Review of the Experience of Takht-E-Safar Park in Herat, Afghanistan)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بازنمایی حضور زنان افغان در فضاهای شهری جنسیت زده مروری بر تجربه پارک تخت سفر هرات، افغانستان

زینب حسینی^۱، هومن قهرمانی^{۲*}

۱. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

۲. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

چکیده

بیان مسئله: جریان یافتن تبعیضات جنسیتی و نادیده انگاشتن جایگاه زنان در جامعه افغان، ساختار اجتماعی فضاهای شهری را رو به انحطاط می برد. در هرات، به واسطه ویژگی های خاص جغرافیای انسانی، این مسئله برجسته تر شده و حضور زنان در فضاهای شهری را با احساس ترس و سردرگمی همراه ساخته است. **هدف پژوهش:** حاضر با تمرکز بر پارک تخت سفر هرات، تأثیر عوامل فضایی و غیرفضایی را بر نحوه حضور و استفاده زنان در فضاهای شهری جنسیت زده بررسی کرده و هدف آن رسیدن به درک عمیق تری از تجربه، ترجیحات، محدودیت ها و راهبردهای فردی آنان در تعامل با فضاهای عمومی است.

روش پژوهش: مطالعه به تحلیل واقعیت های مؤثر بر این امر، از طریق مستندسازی رفتارهای فضایی زنان در پارک تخت سفر هرات پرداخته و سپس تحلیل تصاویر به دست آمده صورت گرفته است. تحلیل ها ناشی از استنتاج نظرات ۱۰ نفر از متخصصین شهری و جامعه شناسان هراتی است که دیدگاه های آن ها در خصوص تصاویر، تحلیل شده است. در ادامه یافته های حاصل توسط ۴۰ نفر از دانشجویان دختر شهرسازی و رشته های مرتبط دانشگاه هرات به کمک پرسشنامه و آزمون افتراق معنایی ارزیابی شده است.

نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد که نحوه حضور و استفاده زنان افغان در فضای پارک تخت سفر، حاصل تأثیر متقابل میان عاملیت های فضایی و غیر فضایی است که زیر شمول های هر یک از عوامل به بحث گذاشته شده است. این عوامل، در بستر سیاست، قومیت، مذهب و فرهنگ، بر رفتار فضایی زنان تأثیرگذار بوده و منجر به شکل گیری تفاوت هایی در ترجیحات آنان نسبت به فضای عمومی ایده آل شده است؛ نتایج حاصل از پرسشنامه ها در برخی موارد مؤید یافته های مطالعات پیشین بوده و در بعضی دیگر ترجیحات آنان را با سوگیری های فرهنگی - مذهبی بیشتر نشان داده است.

واژگان کلیدی: جنسیت، رفتار، فضاهای جنسیت زده، هرات.

مقدمه

عمومی سازی فضاها در گرو دسترسی به داده های عمیق و بنیادین در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با مسائل زنان است (World Bank Group, 2020). در این میان، توجه به رفتارهای زنان در بستر مطالعه می تواند در تعیین اهداف کاربردی برای دستیابی به فضاهای عمومی همه شمول با تأکید بر نقش و حقوق شهروندی آنان مؤثر باشد. بر همین اساس، این پژوهش بر ارزیابی رفتارهای روزمره زنان در فضای شهری تحت سفر متمرکز شده است؛ چراکه فضاهای شهری افغانستان تحت تأثیر عوامل متعدد، شخصیتی جنسیت زده به خود گرفته

تمرکز جامع بر جنسیت یا «جریان سازی»^۱ به مفهوم وارد کردن گروه های به حاشیه رانده شده به واسطه جنسیت در جریان اصلی جامعه و تضمین فرصت های برابر، رویکردی بلندپروازانه و جسورانه تلقی می شود. این راهبرد، همچون سایر استراتژی های جریان سازی، نیازمند چارچوب نظارتی مناسب و همچنین تغییرات چشمگیر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بلندمدت است؛ فرایندی که باید از طریق یادگیری مستمر، مذاکره و تبادل تجربیات پیش رود (Velázquez et al, 2006, 8-9). با این حال، تحقق

*نویسنده مسئول: ۹۱۷۷۹۴۸۹۴۴@um.ac.ir.hghahremani

می‌دهد. بسیاری این وضعیت را به‌اشتباه، حاصل رضایت یا انتخاب خود زنان می‌پندارند، در حالی که، قدرت‌هایی ناپیدا و غالباً نادیده‌انگاشته، رفتار آنان را محدود می‌کنند. همین ویژگی پنهان و طبیعی‌انگاشته‌شدن محرومیت، جنبه‌ای مهم از مسئله را تشکیل می‌دهد. هنگامی که زنان احساس ترس یا بی‌اطمینانی از یک فضای خاص دارند، از حضور در آن فضا اجتناب می‌کنند و ناخواسته سلطه مردانه را بازتولید می‌نمایند. بنابراین، احساسات ذهنی زنان در ارتباط با ساختارهای قدرت، در تولید فضا تأثیرگذار است (Koskela, 1999, 121). در حقیقت، تصویر ذهنی منفی به‌مثابه پیام‌هایی پنهان عمل می‌کند که حضور در فضا را محدود می‌سازد (فراهانی، ۱۳۹۷، ۷). این‌گونه محدودیت‌ها حضور اقلیت‌های جنسی، سنی و قومی را در عرصه عمومی به خاموشی و ناپیدایی می‌کشاند (World Bank Group, 2020, 35). اهمیت مطالعه حاضر، بررسی مستند به کمک تفسیر و تحلیل رفتارهای زنان است که می‌تواند ناشی از عوامل محیطی و تهدیدهای فضایی-فرهنگی باشد. در حقیقت بروز این چنین رفتارها نمایشی از تجربه حضور در فضا است.

• امنیت

در بررسی تأثیرات متقابل جنسیت و فضاهای عمومی، امنیت و ایمنی از مؤلفه‌های کلیدی به شمار می‌آیند (Kiavar, 2011, 72). طبق تعریف سازمان زنان، شهر امن جایی است که زنان بتوانند بدون ترس، تبعیض و خشونت، در هر زمان از فضاهای عمومی بهره‌مند شده و به‌عنوان شهروندانی برابر، در تصمیم‌گیری و مشارکت اجتماعی حضور یابند. چنانچه امنیت، به‌عنوان یک نیاز اساسی تأمین نشود، ترس در نتیجه تعامل پیچیده میان افراد، جامعه، محیط فیزیکی و پیشینه فرهنگی پدیدار می‌شود (Tandogan & Ilhan, 2016, 2012-2013). زن تا زمانی که در محیط احساس امنیت و آرامش نکند، اعتمادی به آن فضا نخواهد داشت و کلیشه‌ها، پیش‌داوری‌ها و نگرانی‌های جنسیتی، او را از تأمل در نقش خود در فضا باز می‌دارد (فراهانی، ۱۳۹۷، ۴۵). در همین راستا، فراهانی امنیت را در دو بُعد عینی و ذهنی تعریف می‌کند: بُعد عینی ناظر بر عناصر ملموس محیطی و خطرات بالقوه است، در حالی که بُعد ذهنی به درک و احساس امنیت افراد و تأثیرپذیری آن از ترس و نگرانی‌ها اشاره دارد (همان، ۳۳). هرچند پژوهش‌های متعددی به عوامل محیطی پرداخته‌اند، اما در این بخش، تمرکز اصلی بر تأثیرات ذهنی در روند جنسیتی شدن فضاهاست.

• ذهنیت

محیطی مردانه تنها از تعاملات ظاهری شکل نمی‌گیرد،

است؛ به همین دلیل، رفتار زنان در فضاها اغلب بر پایهٔ هنجارهای تحمیلی تنظیم می‌شود. چنین وضعیتی می‌تواند بر سلامت روان زنان نیز اثر منفی بگذارد. تعامل زنان با فضا، می‌تواند از یک‌سو متأثر از تصورات ذهنی، قوانین حاکم بر جامعه و رویکردهای متعصبانه باشد و از سوی دیگر، تحت تأثیر عوامل فضایی و محیطی قرار دارد. این شرایط موجب می‌شود رفتار زنان در چارچوب محدودیت‌ها و هنجارهای رایج شکل گیرد؛ مسئله‌ای که در شهر هرات به‌وضوح دیده می‌شود. هرات، با‌عنوان شهر اولیاءالله و ویژگی‌های مذهبی خاص، محدودیت‌های عرفی و مذهبی‌ای دارد که به‌طور محسوس بر حضور زنان در فضاهای عمومی تأثیرگذار است. به‌گونه‌ای که پارک تخت سفر، با وجود عمومی بودن^۲، به فضایی مردانه بدل شده است. غلبه رفتارهای جمعی مردانه در این فضا باعث شده بسیاری از زنان احساس تعلق نداشته باشند. «اجتماعی مردانه که به فضا سرزیر می‌شود و در موضع قدرت قرار می‌گیرد، به‌نوعی زنان را در انتخاب مکان منفعل ساخته و غیرمستقیم آنان را از فضا بیرون می‌کند» (حسینی، ۱۴۰۲، ۲). در نتیجه، این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی مرتبط با این وضعیت انجام شده است.

۱- عوامل فضایی و غیرفضایی چگونه بر نحوه حضور و استفاده زنان در پارک تخت، سفر هرات تأثیرگذار بوده است؟

۲- ترجیحات، چالش‌ها و الگوهای رفتاری زنان در پارک تخت سفر چگونه در بستر روابط میان فضا، جنسیت و هنجارهای فرهنگی- اجتماعی شکل می‌گیرند؟

از این‌رو، این پژوهش با تمرکز بر نمونه موردی پارک تخت سفر، کوشیده است تأثیر عوامل فضایی و غیرفضایی را بر نحوه حضور و رفتار زنان در این فضای شهری شناسایی و تحلیل کند. همچنین، با در نظر گرفتن بستر فرهنگی و اجتماعی خاص شهر هرات، تلاش داشته است تا چگونگی شکل‌گیری ترجیحات و چالش‌های زنان را در پیوند با مؤلفه‌های فضایی و هنجارهای اجتماعی تبیین نماید.

مبانی نظری

• مؤلفه‌های مؤثر بر جنسیتی شدن فضا در ادبیات

نظری

خروج زنان از فضاهای عمومی و محرومیت آنان از حقوق‌شان، صرفاً به سلطه مردان نسبت داده نمی‌شود؛ بلکه ناتوانی زنان در بهره‌برداری آزادانه از این فضاها، اغلب به کناره‌گیری داوطلبانه آن‌ها منجر می‌شود. این حذف اختیاری حتی در غیاب تهدید مستقیم خشونت نیز رخ

الگوی ارتباطی-کلامی و تعاملات محدودشده

زنان با گرایش طبیعی به تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های خود را عمدتاً بر پایهٔ شمول‌پذیری، تحرک و ارتباطات کلامی بنا می‌کند (فراهانی، ۱۳۹۷، ۱۸). در مقابل، الگوی مردانه، بر تمایز و تفکیک روابط تأکید دارد. با این حال، کنش‌های اجتماعی زنان در جوامع اسلامی اغلب در حصار ارزش‌ها و تعصبات فرهنگی محصور می‌شود. در چنین بستری، مردان با اعمال محدودیت‌های رفتاری و ارتباطی، تلاش دارند حضور زنان را در چهارچوب ارزش‌های مورد نظر خود کنترل و تنظیم نمایند (Mushkani & Ono, 2021, 1).

• خشونت

خشونت مبتنی بر جنسیت^۳، مفهومی است فراگیر، شامل هر گونه رفتار زین‌آور ناشی از نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با جنسیت که به صدمات جسمی، روانی یا جنسی منجر می‌شود (World Bank Group, 2020). در جامعهٔ افغان، این خشونت با اشکال مختلف محرومیت از آزادی در زندگی عمومی و خصوصی همراه است و اغلب در بستر ویژگی‌های شهری مانند ناشناس بودن، قطبی‌شدگی اجتماعی و تنوع قومی رخ می‌دهد که زنان را به‌عنوان قربانیان اصلی هدف قرار می‌دهد (Neaga, 2014, 32; World Bank Group, 2020, 18). تجربه یا حتی تصور خشونت و آزار جنسی، زنان را وادار به حذف خود از فضاهای عمومی کرده و اضطرابی پایدار از تکرار تجربه در آنان ایجاد می‌کند (Koskela, 1999, 116). به گفتهٔ راش^۴، تصور مردان از حضور زنان در انظار عمومی مبتنی بر میل به قضاوت است؛ از این‌رو، زنان برای اجتناب از توهین، اغلب نقش منفعل و متواضعی اتخاذ می‌کنند (Rush, 2012, 9-10; Riger et al., 1982, 370-371). در تلفیق نظریه‌های فرهنگ خشونت و هنجارهای جنسیتی، مردانی که مرتکب خشونت می‌شوند، اغلب آن را نشانهٔ مردانگی می‌دانند (Alderton et al., 2020, 13) و بنا بر دیدگاه فمینیست‌های رادیکال، ترس زنان از خشونت، ابزاری برای کنترل اجتماعی آنان است (Koskela, 1999, 120). این باورها با پیش‌زمینهٔ فرهنگی مردسالار افغانستان عجین شده است.

عوامل مؤثر بر جنسیتی‌شدن فضاهای شهری افغانستان متأخر

• سیاست

حقوق زنان افغان همواره به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی و درگیری‌های دولت و جامعه بوده و همواره زنان، در مرکز منازعات ایدئولوژیک قرار داشته‌اند^۵ (Kandiyoti, 2007, 171). به گونه‌ای که پوشش

بلکه تحت تأثیر احساسات درونی و روانی نیز قرار دارد. واقعیت‌های عاطفی که زنان در فضا تجربه می‌کنند، نقش بسزایی در این فرایند ایفا می‌کند (Rush, 2012, 7). ولنتاین در پژوهش خود دریافت که زنان با بیانی فضایی از ترس، نقشه‌های ذهنی خاصی از محیط را در ذهن خود ثبت می‌کنند که در آن بخش‌هایی از شهر را به نواحی امن و ناامن تقسیم و براساس آن در فضاها رفتار می‌کنند (Bell, 1998, 2; Mowl & Towner, 1995, 105). این ذهنیت‌ها نه تنها تأثیرات منفی روان‌شناختی دارد، بلکه آزادی حرکت افراد را نیز محدود می‌کند. در نتیجه، این وضعیت می‌تواند منجر به طرد آن‌ها از فعالیت‌های اجتماعی و کاهش حضور در مکان‌هایی شود که خطرناک شناخته می‌شوند و در نهایت، زندگی شهری آنان به سمت خاموشی و انزوا سوق می‌یابد (Navarrete-Hernandez et al, 2021, 2).

• هویت زنانگی

نقش‌هایی چون همسر، مادر و دختر، ذهنیتی سیال در زنان ایجاد می‌کند که تحت تأثیر ساختار فرهنگی، کنش‌های غالب و نقش‌های القاء شده اجتماعی، رفتار آنان را در فضاهای مختلف شکل می‌دهد (Baydar 2012, 702; فراهانی، ۱۳۹۷، ۵۷). این روابط پیچیده و قدرت‌مند جنسیتی، آزادی انتخاب فضایی زنان را محدود کرده و یا جرأت حضور فعال در فضاهای عمومی را از آن‌ها سلب می‌کند (Koskela, 1999, 111). در حالی که مشارکت در این فضاها باید بر انتخاب آزاد استوار باشد، بنابراین، تلاش برای کشف ادراکات و ترجیحات ذهنی زنان بر پایهٔ تجربیات فرهنگی- فضایی، می‌تواند به ارتقاء کیفیت فضای عمومی کمک کند.

• نقش مراقبت و القائات مادرانه به فرزندان دختر

بسیاری از زنان در نقش مادر همراه فرزندان خود در فضاهای شهری حضور می‌یابند (غلامی هتکه‌لویی، ۱۳۹۹، ۱۴۱). این حضور، تلفیقی از وظایف مراقبتی و فعالیت‌های فراغتی آنهاست (تصویر ۵، عکس الف و تصویر ۶، عکس ب) (Day, 1999, 146). با این حال، این نقش صرفاً به محدودسازی رفتارهای خود زنان ختم نمی‌شود، بلکه آنان در مقام مراقب، قیودی بر آزادی رفتاری فرزندان نیز اعمال می‌کنند. به‌ویژه دختران، در سنین کودکی با محدودیت‌های بیشتری نسبت به پسران مواجه‌اند، از جمله کنترل تحرک بدنی، کاهش کنجکاوی و تلقین ترس از خطرات، که در سنین بالاتر در مجوزهای موقتی برای تحرک این محدودیت‌ها نیز استمرار دارد (Damyanovic et al., 2013, 20-21; Rezazadeh & Mohammadi, 2009, 109).

زنان «تحت ستم» معرفی کرده‌اند، بدون آن که دغدغه واقعی زنان یا مطالباتشان مدنظر قرار گیرد. جنبش طالبان با تفسیری افراطی از شریعت که ریشه در آموزه‌های دیوبندی^۱ دارد، بر انزوای زنان تأکید داشته و همین نگاه، شکل‌دهنده رفتارهای فضایی تحت سلطه این گروه شده است (Noury & Speciale, 2016, 822-824).

• ساختار اجتماعی مردسالار

برخی جمعیت‌شناسان، ساختار اجتماعی افغانستان معاصر را «پدرسالاری کلاسیک» می‌دانند، جایی که همواره مردان در رأس نهادهای قدرت قرار داشته‌اند (Moghadam, 2002, 20; Day, 1999, 174). این هنجارها با اعمال محدودیت‌هایی چون حجاب اجباری، قوانین تحرک و سفر و نظارت‌های خانوادگی و خانگی حضور زنان را در فضای عمومی محدود کرده و احساس بی‌ارزشی و طرد تلویحی را در آنان تقویت می‌کند (Moghadam, 2002, 20; Pour hossein roshan & Pourjafar, 2019, 116-117).

این هنجارهای تاریخی و فرهنگی، که اصلاح آن مقاوم به تغییر تلقی می‌شود، در ساختار پیچیده اجتماعی-فضایی شهرهای افغانستان بازتاب یافته و شهر را به بستری برای سیاست‌های طرد/شمول بدل کرده است (Karimi, 2011, 29). این حصارهای فرهنگی، به‌ویژه در فضای شهری، فرصت و اجازه بیشتری به مردان برای تعرض به حریم زنان می‌دهد؛ مسئله‌ای که در الگوهای رفتاری قابل مشاهده است و در این پژوهش تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

جنسیت‌زدگی در پارک تخت سفر، حاصل تأثیر متقابل مؤلفه‌های فضایی و غیرفضایی است. که در بستر جغرافیا به صورت هنجارهای رایج عمل می‌کنند. درحالی که اغلب پژوهش‌های پیشین بر چارچوب‌های نظری کلی در زمینه امنیت فضاهای شهری در افغانستان محدود بوده و بیشتر بر پایه مرور نظریات اندیشمندان عمدتاً غربی، آن هم بدون مشارکت کاربران فضا متمرکز بوده‌اند. این مطالعه تلاش دارد از خلال روایت‌های محلی، فهمی بومی از تعاملات جنسیتی در فضا به دست دهد. این پژوهش با آگاهی بر وجود محدودیت‌های احتمالی، در جهت کنترل آن، روش‌های متفاوتی را بکار گرفته است. مستندسازی روایت‌های حاکم بر فضای شهری پارک تخت سفر در هرات، زمینه تحلیل رفتارها و تعاملات زنان در چارچوب هنجارهای غالب را فراهم آورده و امکان فهمی ژرف‌تر از واقعیت‌های فضایی پیچیده و چندلایه را

برقع (حجاب صورت)، به‌عنوان نماد مشترک سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه زنان، در تمام منازعات تکرار شده است (Moghadam, 2002, 25). بر این اساس، زنان افغان همواره صدرنشین فهرست قربانیان جنگ و نظامی‌گری در افغانستان هستند (Kasa, 2014, 3). فرمان‌های طالبان، با تأکید افراطی بر تفکیک فضای عمومی و خصوصی، به بازتولید ساختارهای سنتی و تقلیل جایگاه زنان منجر شده است (Noury & Speciale, 2016, 825). به‌طوری‌که، سلطه مجدد طالبان بر ساختار قدرت، نشانی از تداوم تاریخی تبعیض و فرودستی را برایشان رقم زده است.^۷ هرچند جنبش‌های اصلاح‌طلبانه و برابری‌خواهانه متعددی پدید آمده‌اند، اما زنان ناگزیر به ایفای نقش‌های تحمیل‌شده و پذیرش هنجارهای جنسیتی مسلط بوده‌اند؛ از این‌رو تحلیل عمیق‌تر مسائل زنان برای ارزیابی دقیق حضور آنان در شهر ضروری است.

• قومیت، مذهب و اسلامی بودن

دیدگاه‌های مذهبی، قومی و قبیله‌ای، تأثیر عمیقی بر نحوه استفاده، درک و تجربه زنان و مردان از فضای عمومی دارند، چرا که این فضا عرصه‌ای سرشار از ایدئولوژی‌هاست (Peimani & Kamalipour, 2016, 20)؛ تعامل بین اقشار و اقلیت‌های مختلف - حتی در تقابل - ضروری است، زیرا این مواجهه‌ها افراد را ناگزیر به پذیرش تفاوت‌ها و مدیریت تنش‌ها در کنار یکدیگر می‌سازد (Gałkowski & Antosz, 2022, 1-2).

در افغانستان، ورود قدرت‌های مختلف قومی و مذهبی موجب شکل‌گیری جامعه‌ای ناهمگون شده است. این کشور، به‌عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیکی، ابتدا توسط قبائل پشتون بنیان‌نهاد شده و از آن زمان تحت سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آنان باقی مانده است.^۸ در نتیجه، گروه‌های غیرپشتون به‌طور سیستماتیک به حاشیه رانده شده‌اند و این انحصار، به فرایند «پشتون‌سازی» مشروعیت و اعتبار تاریخی بخشیده است؛ فرایندی که موجبات طرد فضایی اقلیت‌ها از ساختار شهری را فراهم کرده است (Karimi, 2011, 10).

در این ساختار، فضای عمومی به جایگاهی بدل شده که در آن زنان باید تا حد امکان از دید نامحرمان پنهان بمانند، و خیابان‌ها به‌مثابه بخشی از این فضای ناامن تلقی شده و رعایت پوشش کامل برای زنان ضروری می‌شود (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۶۸-۱۶۴). حجاب زن، همواره ابزاری سیاسی در رقابت‌های قدرت بوده و هر یک از گروه‌های درگیر با بهره‌گیری از ایدئولوژی قیم‌مآبانه، خود را نماینده

زنان در محیط پارک از طریق تصویربرداری میدانی^۱ ثبت شد. تصاویر در بازه زمانی اسفند تا خرداد ۱۴۰۱، در ساعات مختلف روز و ایام هفته، اخذ شد؛ هر چند که هر روز این دوره با صدور قوانین محدودکننده جدیدی از سوی دولت وقت طالبان همراه بوده است.

از میان ۸۴۰ تصویر ثبت شده، ۵۰ تصویر براساس تکرار کنش‌ها و رفتارها گزینش شده و در نهایت به دلیل احتمال پیش‌داوری ناخودآگاه نگارندگان در انتخاب و تفسیر تصاویر، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شده است که به انتخاب تصاویر بپردازند؛ ۱۷ تصویر به صورت هدفمند و با در نظر گرفتن تنوع موقعیت‌ها و عاملیت‌های فرهنگی، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. محدوده تصویربرداری از ورودی اصلی پارک تا ورودی فرعی آن، در مجاورت شهربازی، با هدف تمرکز بر مسیرهای منتخب زنان و فضاهای نسبتاً امن، انتخاب شد (تصویر ۱).

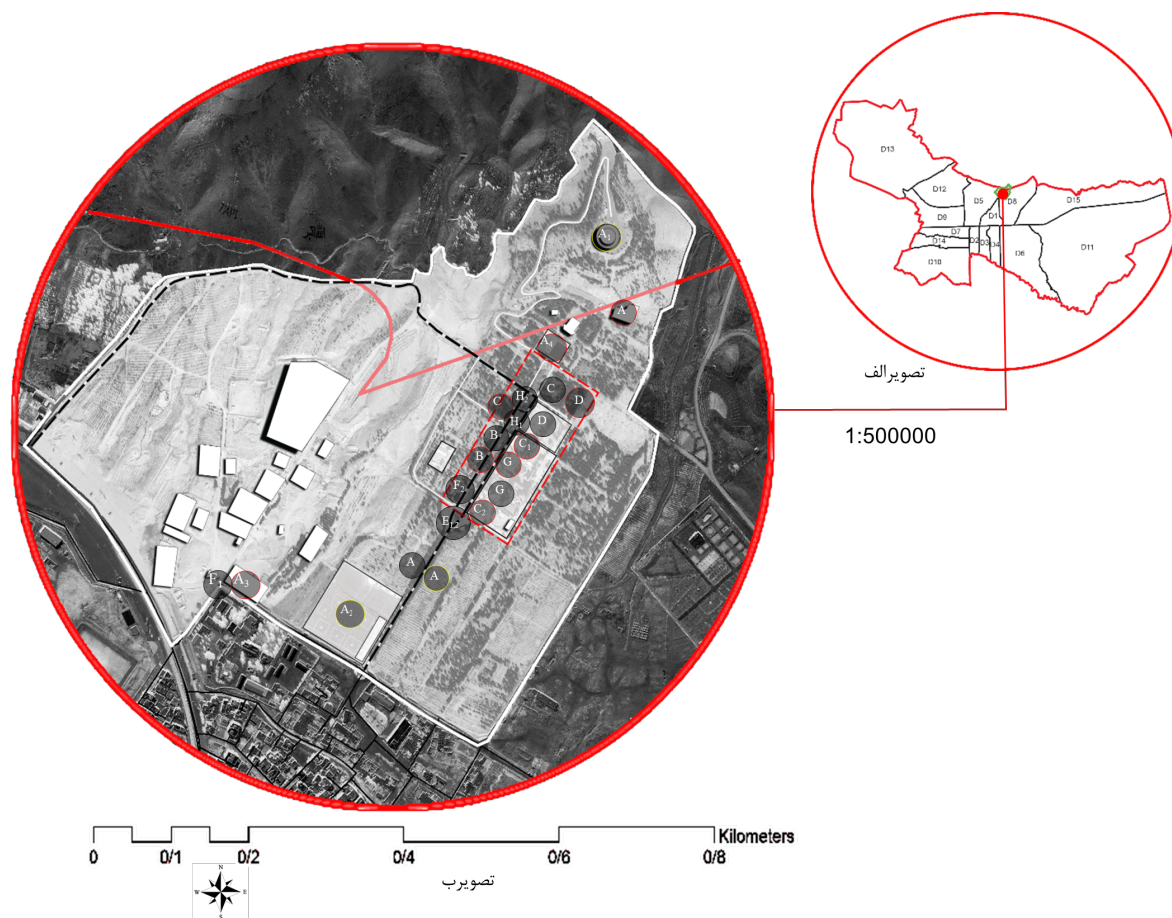
تحلیل اولیه تصاویر توسط ده نفر از متخصصان (شامل چهار

امکان‌پذیر ساخته است. نتایج پژوهش ممکن است در قالب نمونه مورد مطالعه معنادار باشد و قائد تا با تعریف نمونه‌های موردی بیشتر در پهنه جغرافیای افغانستان قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری خواهد داشت؛ موضوعی که برای تحقیقات آتی در نظر گرفته شده است.

روش پژوهش

این مقاله از نوع تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای است که در چارچوب پارادایم تفسیری و با رویکردی کیفی، به بررسی نحوه حضور زنان در فضای جنسیت‌زده پارک تخت سفر در هرات پرداخته است. در این پژوهش روش‌های مختلفی چون تحلیل تصویر، مصاحبه، پرسشنامه تلفیق شده و با مشارکت مستقیم متخصصان و به منظور تقویت غنای میدانی و ارتقای دقت در تحلیل ترجیحات فضایی، از مشارکت مستقیم زنان استفاده شده است تا نگاهی همه جانبه به موضوع داشته باشد.

در مرحله نخست، پس از مرور ادبیات نظری، رفتارهای واقعی



تصویر ۱. الف) ناحیه بندی شهر هرات. ب) سایت تخت سفر و موقعیت‌های ثبت تصاویر. مأخذ: نگارندگان.

در گام دوم، دیدگاه‌ها به اشتراک گذاشته شد تا امکان بازبینی و تکمیل تفاسیر فراهم شود. تمامی داده‌ها ثبت و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA 2020 انجام شد و عوامل فضایی و غیرفضایی مؤثر بر رفتار زنان شناسایی شدند. به‌منظور بررسی تفاوت میان استنباط‌های متخصصان و ادراکات کاربران، از تکنیک افتراق معنایی^{۱۱} استفاده شد. در این بخش، با نمونه‌گیری هدفمند و غیر احتمالی^{۱۲}، از دانشجویان دختر رشته‌های شهرسازی، معماری و جامعه‌شناسی - با تمرکز بر دانشجویان ارشد و فارغ‌التحصیلان ترم‌های بالاتر - در تحلیل ترجیحات فضایی بهره گرفته شد. انتخاب نمونه‌ها تماماً تنها از زنان صورت گرفت تا از سوگیری مردسالارانه

برنامه‌ریز شهری، سه طراح شهری و سه جامعه‌شناس) انجام شد (تصاویر ۲ تا ۷) در انتخاب متخصصان، تماماً از هر دو جنس (مرد و زن) و در بازه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال استفاده شد تا ضمن بهره‌گیری از تجربه کافی، از شرایط اجتماعی زنان نیز آگاهی داشته باشند. معیارهایی چون اصالت هراتی، تجربه حضور در پارک تخت سفر و تحصیلات آکادمیک در حوزه‌های مرتبط، مبنای گزینش مشارکت‌کنندگان بوده است تا تحلیل‌ها از سوگیری جنسیتی مصون و با زمینه محلی منطبق باشد. فرایند تحلیل در دو مرحله طراحی شد: در گام نخست، مصاحبه‌شوندگان به تفسیر مستقل تصاویر پرداختند؛

نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضای پارک تخت سفر هرات

نمونه‌ای از عاملیت فضایی مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضا

نمونه‌ای از عاملیت فضایی مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضا



عکس الف. بازی گلوله زنی مردانه. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: A1 تاریخ: ۱۳ فروردین زمان: ۱۰:۲۵



عکس ب. متقاضی بودن زنان برای تفریح و انجام تفریحات مردانه. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: A تاریخ: ۱۷ اردیبهشت زمان: ۱۴:۱۰



عکس ج. باشگاه بلیارد مردانه. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: A2 تاریخ: ۲۰ فروردین زمان: ۱۱:۱۵

حوزه موضوعی	مقوله	زیرمقوله	نمونه‌هایی از استنتاجات متخصصین در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضای پارک تخت سفر
سلطه فضایی مردان	توجه به نیازهای مردان در فضا	اختصاص کاربری‌ها به فعالیت‌های صرفاً مردانه	<p>_ شهرهای افغانستان به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بیشتر متناسب با نیازهای مردان باشند و فضاها براساس این نیازها شکل گرفته‌اند (مصاحبه‌شونده شماره ۲).</p> <p>_ فعالیت‌ها و کاربری‌های غالباً مردانه که این خود منجر به چیرگی جنسیتی می‌شود (مصاحبه‌شونده شماره ۴) (عکس ج).</p> <p>_ استفاده مردان از فضاهای عمومی بیشتر و فضاها و کاربری‌های مختص مردان است (مصاحبه‌شونده شماره ۶) (عکس الف و ج).</p> <p>_ در طراحی فضاها توجهی به تساوی جنسیتی نشده است (مصاحبه‌شونده شماره ۵).</p>
		تفریحات مردانه و غلبه حضور مردان در فضا	<p>- قطعاً اگر این تفریحات به‌صورت برابر استفاده شود و همراه آنان بانوان می‌بودند به‌صورت نرم‌تر بود و از سلاح استفاده نمی‌شد و از خشونت تفریحات نیز کاسته می‌شد (مصاحبه‌شونده شماره ۵) (عکس ب).</p> <p>_ فعالیت‌ها در این سایت به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که عمدتاً به‌منظور استفاده جنس مرد و به‌ویژه قشر جوان اختصاص یافته‌اند (مصاحبه‌شونده شماره ۶ و ۹) (عکس الف).</p>
	عدم توجه به نیازهای زنان در فضا	عدم وجود فعالیت‌ها متناسب با خصوصیات زنان	<p>_ فعالیت‌ها مختص مردان هست و فعالیتی متناسب با ویژگی‌های زن در فضا وجود ندارد (مصاحبه‌شونده شماره ۵).</p> <p>_ آنچه در تصویر دیده می‌شوند نشان‌دهنده متقاضی بودن جامعه زن برای انجام تفریحات است (مصاحبه‌شونده شماره ۵) (عکس ب).</p> <p>_ نبود امکانات و فضاهای رفاهی و تسهیلات زنانه و متناسب نبودن بالطافت زنانه توجه به شاخصه‌هایی چون زیبایی شناسانه باعث شده فضاها خیلی زنانه پسند نباشد (مصاحبه‌شونده شماره ۸).</p>
		طرد فضایی زنان	<p>_ غلبه و سلطه مردان در تمام فضاها و فعالیت‌ها از مشارکت زنان در فضاها جلوگیری می‌کند (مصاحبه‌شونده شماره ۱) (عکس الف).</p> <p>_ انجام این فعالیت توسط زنان در نبود مردان انجام شده و در صورت وجود مردان ناخودآگاه از فضاها دور می‌شوند. این نشان می‌دهد وجود تفریحات متناسب با ویژگی‌های زنان، بدون مزاحمت و در آرامش ذهنی، بر افزایش حضور آنان مؤثر است (مصاحبه‌شونده شماره ۷ و ۱۰) (عکس ب).</p>

تصویر ۲. پیاده‌سازی و تحلیل محتوای استنتاجات متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

نمونه‌های از عاملیت فضایی مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضا		نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضا	
 <p>عکس ب. پوشش گیاهی متراکم در جزیره میانی پارک. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: B. تاریخ: ۱۲ فروردین ۱۴۰۳. زمان: ۱۰:۳۰</p>		 <p>عکس الف. نشست بانوان در جزیره میانی پارک. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: B. تاریخ: ۱۲ فروردین ۱۴۰۳. زمان: ۱۰:۳۰</p>	
حوزه موضوعی	مقوله	زیرمقوله	نمونه‌هایی از استنتاجات متخصصین در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضای پارک تخت سفر
تعامل به قلمروخواهی زنان	مقوله	بازرسی صوری و فقدان آرایش روانی زنان	<p>استفاده خانواده‌ها از فضاهای آزاد به گونه‌ای است که همراه خود جادر مسافرتی می‌برند و یا بین فضاها برده می‌کشند. ایجاد بخش خانوادگی متناسب با معیارهای فرهنگی می‌تواند روشی مؤثر در جامعه افغانستان باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۶ و ۱۰).</p> <p>طراحی فضا برای خانواده‌ها در ابتدا باید مطابق با فرهنگ آنان باشد چراکه جامعه فعلی پذیرای همین است و تمایلی به حضور در فضاهای مختلط ندارد؛ اما به تدریج می‌توان ذهنیت‌ها را پذیرای فرهنگ‌سازی برای قرارگیری فضاهای مختلط کرد (مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۶ و ۹).</p>
		فرار از نگاه‌های مزاحم	<p>کم بودن حضور زنان در فضای تخت سفر می‌تواند به دلیل حضور بیشتر مردان و ایجاد مزاحمت‌ها و یا حتی تماشا کردن و نگاه‌های غیر نرمال به زنان توسط نامحرمان باشد. این رفتار ناشی از بسط یافتن افکار عامه در رابطه با عادی انگاری مزاحمت‌های جنسی است که به یک عادت معمول تبدیل شده است (مصاحبه‌شونده شماره ۴).</p> <p>مطابق با فرهنگ، زن افغان با قرار گرفتن در معرض دید احساس خجالت می‌کند (مصاحبه‌شونده شماره ۲).</p>
		پناه به پوشش گیاهی متراکم و فاقد اشراف	<p>مطابق با فرهنگ زن افغان، او در همان فضای محصور احساس راحتی بیشتری دارد و وجود این چنین فضاهایی خارج از دید او را به همان سمت می‌کشاند (مصاحبه‌شونده شماره ۱ و ۳) (عکس الف).</p> <p>معمولاً فضاهای خارج از دید مردان، همچون پوشش گیاهی متراکم به عنوان فضایی مناسب برای نشستن و گذران اوقات زنان انتخاب می‌شود (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰) (عکس ب).</p>
		نبود محرمیت‌های فضایی مورد انتظار	<p>مطابق با فرهنگ کشورهای اسلامی و به خصوص فرهنگ محدود جامعه هرات مسئله محرمیت فضاها را باید در نظر گرفت (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).</p> <p>خانواده‌ها با قرارگیری در فضایی مختلط که فرهنگ استفاده از آن را ندارند از جادر و برده برای پنهان کردن خود از نگاه‌ها استفاده می‌کنند. در حقیقت در طراحی فضاها متناسب با نیازهای زنان و با رعایت معیارهای لازم متناسب با فرهنگ حفظ محرمیت از الزامات فضایی برای حضور بیشتر زنان در فضاهاست (مصاحبه‌شونده شماره ۲ و ۶).</p>

تصویر ۳. پیاده‌سازی و تحلیل محتوای استنتاجات متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

نمونه‌های از عاملیت فضایی مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضا		نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضا	
 <p>عکس ب. همجوار فضاهای خانوادگی بدون رعایت فاصله. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: C. تاریخ: ۱۲ فروردین ۱۴۰۳. زمان: ۱۷:۳۰</p>		 <p>عکس الف. نشست مردان در نقاط بالاتر برای نظارت بر خانواده. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: C. تاریخ: ۱۲ فروردین ۱۴۰۳. زمان: ۱۲:۱۰</p>	
حوزه موضوعی	مقوله	زیرمقوله	نمونه‌هایی از استنتاجات متخصصین در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضای پارک تخت سفر
سطح پایین آلتای امنیت محیطی	مقوله	امنیت نسبی بفرهنگ محافظه‌کارانه نسبی	<p>این رفتار در همه زنان وجود دارد؛ که همراهی یک مرد را در کنار خود امنیت می‌دانند. باید فضا را طوری طراحی شود که این حس مثبت متکی به حضور مرد نباشد (مصاحبه‌شونده شماره ۵) (عکس الف).</p> <p>ذهنیت نیاز به همراهی مردان باعث ایجاد ترس می‌شود حتی اگر امنیت در محیط حاصل باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۲).</p>
		لزوم کنترل و اشراف دیداری مردان بر خانواده	<p>رفتار مردسالارانه در فضاهای شهری افغان یک موضوع بسیار طبیعی است (مصاحبه‌شونده شماره ۵) (عکس الف).</p> <p>با توجه به وضعیت کنونی حاکم، مردان به عنوان نگاهبان خانواده عمل می‌کنند و خانواده خود را صرفاً برای محافظت در تفریحات همراهی می‌کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۵) (عکس الف).</p> <p>مطابق با رفتار، مرد افغان کنترل روی فضاهای اطراف را وظیفه خود می‌داند. مثلاً اگر دو خانواده در کنار هم قرار بگیرند قطعاً مرد در این فضا قرار می‌گیرد که اشراف بر خانواده خود داشته باشد و متوجه باشد که نگاهی سمت خانواده او نیست (مصاحبه‌شونده شماره ۱) (عکس الف).</p>
		عدم کنترل اجتماعی فضا	<p>اگر امنیت مسئله هست که باید هم مسئله باشد؛ بلکه کنترل اجتماعی و مدیریت درست، ناخوابگی‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی را تا حدی کاهش می‌دهد. چراکه خیلی از خانواده‌ها گذران اوقات خود را در کنار خانواده می‌پسندند (مصاحبه‌شونده شماره ۴).</p>
		اخلال در سازوکارهای فضایی تولیدکننده امنیت	<p>ورود یک زن به تنهایی در پارکی نظیر تخت سفر و احتمال وقوع هرگونه اتفاق برای او، به‌طور حتم حضور بانوان به تنهایی را در این سایت غیرممکن ساخته است. در حقیقت این فضا از لحاظ جنسیتی از امنیت لازم برخوردار نیست (مصاحبه‌شونده شماره ۴).</p> <p>به لحاظ فضایی وسعت پارک و نداشتن محصوریت و ورود هرگونه افراد دلیلی بر کاهش حضور زنان است (مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۲ و ۱۰).</p>
		عدم رعایت حریم و فاصله میان فضاهای خانوادگی	<p>در حقیقت اشرافیت دیداری فضاها برهم و قرارگیری بدون رعایت فاصله برای حریم هر خانواده می‌تواند از علل فضایی این رفتار باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۸ و ۱۰) (عکس ب).</p>

تصویر ۴. پیاده‌سازی و تحلیل محتوای استنتاجات متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضا



عکس الف. استفاده مادران از پارک کودک. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: D تاریخ: ۶ خرداد زمان: ۱۶:۱۰



عکس ب. فضای بازی کودکان. مأخذ: نگارندگان. موقعیت: D تاریخ: ۱۳ خرداد زمان: ۱۵:۳۰

نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضا



عکس ج. انتظار کشیدن زنان در ابتدای ورودی. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: E1 تاریخ: ۳۰ خرداد زمان: ۱۰:۴۵



عکس د. نشستن زنان برای رفع خستگی در ابتدای ورودی پارک. مأخذ: نگارندگان. موقعیت: E2 تاریخ: ۲۰ خرداد زمان: ۱۱:۰۵

حوزه موضوعی	مقوله	زیرمقوله	نمونه‌هایی از استنتاجات متخصصین در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضای پارک تخت سفر
عدم انطباق انتظارات زنان با تجهیزات موجود	تفاوت خرده فرهنگ ها در انتظارات از فضا	اولویت نداشتن تفریح در فضاهای عمومی برای زنان روستایی	<p>- افراد روستایی دغدغه‌ای که یک فرد شهری به‌عنوان یک ضرورت از استفاده فضاهای باز عمومی احساس می‌کند را ندارند (مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۲ و ۵).</p> <p>- جامعه روستایی بیشتر فضای باز، جنگل و طبیعت را دیده‌اند؛ اما استفاده از وسیله‌های بازی برای آن‌ها جذابیت بیشتری دارد (مصاحبه‌شونده شماره ۲).</p> <p>- در جامعه روستایی شاید تنها هدف از رفتن به تفریح رفع نیاز کودکان آن‌ها باشد؛ چراکه زنان روستایی در باورشان، تفریح را برای فرزندان می‌بینند و آن را به‌عنوان یک اولویت در نیازهایشان نمی‌شناسند (مصاحبه‌شونده شماره ۴ و ۹).</p> <p>- امکان تفریح برای زنان روستایی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که در حین تفریح نقش مراقبت از فرزندان را نیز به عهده گیرند (مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۵ و ۶) (عکس الف).</p> <p>- در مجموع زنان افغان کمتر از فضاهای شهری استفاده می‌کنند که به خاطر سنتی بودن فرهنگ جامعه و فضاهای مردسالار است (مصاحبه‌شونده شماره ۴).</p>
		عدم مطالبه‌گری فضایی زنان روستایی	<p>- جامعه روستایی در فضایی بزرگ‌شده که این مدل رفتارها برای آن‌ها طبیعی است (عکس د). در حقیقت زنان خود را صاحب‌امتیاز نمی‌پندارند و اصلاً فکر نمی‌کنند که می‌توانند حقوقی برای خود داشته باشند (مصاحبه‌شونده شماره ۱ و ۲).</p> <p>- فرهنگ هرات، فرهنگی با محدودیت‌های فراوان برای زنان است و زنان خود را جزئی از محیط حس نمی‌کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۱ و ۲).</p>
		عدم به‌کارگیری استانداردهای لازم در تجهیزات تفریحی	<p>- وسایل بازی کودکان و تجهیزات پارک کودک و شهرسازی برای استفاده بانوان ایمنی لازم را ندارد و تفریحی ایمن برای آنان نیست (مصاحبه‌شونده شماره ۶) (عکس ب).</p>
		نبود تجهیزات و خدمات و فعالیت های مورد تقاضا و ترجیح بانوان	<p>- با وجود حضور زنان در فضاهای شهری امکانات و تجهیزات لازم متناسب با نیاز زنان وجود ندارد و تجهیز فضاها الزامی است. درواقع اگر مبلمانی مناسب برای قرارگیری گروهی بانوان در فضا وجود داشت و فضایی برای منظر ماندن دیگر شاهد این رفتار نبودیم (مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۶ و ۸) (عکس ج و د).</p> <p>- مشکل عمده، نبود فضای مناسب برای زنان هست. وقتی فضاهایی مناسب برای حضور آنان و مطابق با نیازشان (ایجاد حس راحتی ایمنی و آرامش برای بانوان) نباشد قطعاً فرهنگ حضور و برخورداری از حقوقشان در فضا شکل نمی‌گیرد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).</p> <p>- فعالیت و سرگرمی در فضا با توجه انتظار مادران در پارک کودک برای آن‌ها وجود ندارد و از وسایل بازی به‌صورت مشترک با فرزندان خود استفاده می‌شود (مصاحبه‌شونده شماره ۶ و ۱۰) (عکس الف).</p>
			تصویر ۵. پیاده‌سازی و تحلیل محتوای استنتاجات متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

نمونه‌های منتخب از بازنمایی نحوه حضور زنان در فضا



عکس الف. رسیدگی به امور کودکان در کنار معبر. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: F₁ تاریخ ۶ خرداد زمان ۱۰:۱۵



عکس ب. نقش مراقبت کامل مادران. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: F₂ تاریخ ۲۰ خرداد زمان ۱۱:۰۵

حوزه موضوعی	مقوله	زیرمقوله	نمونه‌هایی از استنتاجات متخصصین در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضای پارک تخت سفر
پذیرش نقش مراقبت فرزندان و فعالیت نیمه تفریحی مادران	حقوق زنان در جوامع فرهنگی افغان	نقش مراقبت کامل از کودکان در جوامع روستایی	- در جوامع افغان وظیفه نگهداری از فرزندان در سطح خانواده به‌طور کامل برعهده زن است و پدر هیچ نقشی در آن ندارد (مصاحبه‌شونده شماره ۲ و ۵). - در حقیقت ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که تفکر پایه آن براساس این باور بوده که جایگاه زن فقط در خانه و وظیفه او مراقبت از فرزندان است (مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۴ و ۵). - انجام امور مربوط به فرزندان در فضایی بدون امکانات دغدغه مادران را برای حضور و ماندن در فضا بیشتر می‌کند (مصاحبه‌شونده شماره ۵).
		اشتراک نقش مراقبت جوامع شهری در تفریحات	- جوانان فعلی و مرد هراتی خوشبختانه حقوق زن و همکاری در امور مربوط به فرزندان را تا حدودی پذیرفته‌است (مصاحبه‌شونده شماره ۷). - مردها در جامعه روستایی افغان فقط برای کار بیرون هستند؛ اما این موضوع در جامعه شهری تا حدودی حل شده و در تفریحات مسئولیت نگهداری از کودکان بر عهده پدران خانواده است (مصاحبه‌شونده شماره ۲ و ۶).
	فقدان تسهیلات رسیدگی به کودکان	نبود فضاهای رسیدگی به امور کودکان	- نبود فضایی برای رسیدگی مادران به فرزندان کوچک خود می‌تواند حضور زنان را در فضا کاهش دهد و یا باعث بروز رفتارهای این چنین و نشستن در گوشه‌ها و رسیدگی به فرزندان شود (مصاحبه‌شونده شماره ۱ و ۲) (عکس الف). - اختصاص فضای مناسب برای شیردهی، سرویس‌های بهداشتی مجهز به فضایی برای تعویض کودکان در فواصل مناسب می‌تواند علاوه بر حضور بیشتر زنان، بازه زمانی ماندن آن‌ها در فضا را افزایش دهد (مصاحبه‌شونده شماره ۸ و ۱۰).
		نبود فضاهای استراحت مناسب	- به‌طور معمول زنان نسبت به مردان زودتر احساس خستگی می‌کنند، علاوه بر این محول شدن وظایف بیشتر نسبت به فرزندان این امر را شدت می‌دهد و در طراحی فضایی برای حضور بیشتر آنان توجه به این مسائل اهمیت می‌یابد (مصاحبه‌شونده شماره ۸ و ۱۰).

تصویر ۶. پیاده‌سازی و تحلیل محتوای استنتاجات متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

توصیفی ارائه شده است. تمامی اصول اخلاقی پژوهش، از جمله حفظ محرمانگی اطلاعات و اخذ رضایت آگاهانه در تصویربرداری، رعایت شده است. تلاش شده، تا با بومی‌سازی مؤلفه‌ها و تطبیق روش‌شناسی با زمینه اجتماعی-فرهنگی خاص پارک تخت سفر، اعتبار و اصالت پژوهش حداکثر شود.

یافته‌ها

• تحلیل ترجیحات فضایی بانوان براساس تصاویر ثبت‌شده در پارک تخت سفر هرات
پارک تخت سفر، بزرگ‌ترین فضای باز شهری در هرات، با موقعیتی تاریخی و استراتژیک در دامنه کوه‌های شمالی

در یافته‌ها جلوگیری شود. مشارکت‌کنندگان، علاوه بر پاسخ به پرسش‌نامه‌های اکتشافی، ترجیحات خود را از طریق ترسیم کروکی، جانمایی روی نقشه سایت یا ارائه روایت‌های موردی بیان کرده‌اند^{۱۳}. این مشارکت فعال، امکان تطبیق تحلیلی یافته‌های کارشناسان با ادراکات و تمایلات کاربران را فراهم آورده است.

در مجموع، ۴۰ پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از مطلوب تا نامطلوب) تدوین و از طریق نرم‌افزار SPSS 2020 تحلیل شد. آزمون One Sample T-Test برای سنجش سطح معنی‌داری مؤلفه‌ها به کار گرفته شد و نتایج به کمک نمودارهای خطی در قالب آمار

نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضا	نمونه‌های از عاملیت فضایی مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضا
 <p>عکس الف. قرارگیری جوامع روستایی و شهری در کنار هم. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: G تاریخ: ۶ خرداد زمان: ۱۶:۱۰</p>	 <p>عکس ب. وجود فضاهای رها شده در سایت. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: G تاریخ: ۲۷ فروردین زمان: ۱۱:۳۰</p>

نمونه‌های منتخب از بازنمایی حضور زنان در فضا

 <p>عکس ج. پوشش و رفتار متفاوت در قومیت‌ها و جوامع مختلف. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: H₁ تاریخ: ۹ خرداد زمان: ۱۶:۴۵</p>	 <p>عکس د. پوشش و رفتار متفاوت در قومیت‌ها، سنین و جوامع مختلف. مأخذ: آرشیو نگارندگان. موقعیت: H₂ تاریخ: ۲۰ خرداد زمان: ۱۱:۴۰</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

حوزه موضوعی	مقاله	زیرمقاله	نمونه‌هایی از استنتاجات متخصصین در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه حضور زنان در فضا
اختلاط قشرها و عدم تعامل با یکدیگر در فضا	عدم تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی	اعتماد اجتماعی کمتر بین زنان	<p>- ما در جامعه افغان الگوی ارتباطی را در مردان بیشتر از زنان داریم، در حقیقت زنان ترس از ارتباط با افراد جدید دارند (مصاحبه‌شونده شماره ۱ و ۵) (عکس الف).</p> <p>- در واقع این فرهنگ در خانواده‌های دختر جافاده که با کسی که نمی‌شناسند معاشرت نکنند. در حقیقت این فرهنگ از خردسالی در دختران شکل می‌گیرد به طوری که مسیری که دختر تا مدرسه می‌رود حتماً باید شخصی باشد تا او را محافظت کند. این فرد بسیار سخت با دیگران ارتباط می‌گیرد (مصاحبه‌شونده شماره ۲).</p> <p>- این تأثیر گرفته از نبود اعتماد اجتماعی است که خود ذهنیتی نادرست از برقراری تعاملات در فضاهای شهری است (مصاحبه‌شونده شماره ۴).</p>
		نبود فعالیت‌های مشترک فرهنگی در فضا	<p>- نبود امکانات لازم جهت فراغت و ماندگاری در فضاها استفاده افراد را از تخت سفر در شهر بازی خلاصه می‌کند. امکانات لازم جهت ماندن در فضا می‌تواند حضور خانواده‌ها و تعاملات بین اقشار را به دنبال داشته باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۸).</p> <p>- وجود فضاهایی این چنین می‌تواند پتانسیلی باشد در جهت القای فعالیت‌های مشترک و تعاملات بیشتر بین زنان (عکس ب)، ایجاد فعالیت‌های مشترک می‌تواند تعامل بین جوامع در کنار هم را شکل دهد و یا حتی نحوه چیدمان مبلمان شهری به گونه‌ای طراحی شود که گروه‌ها در آن با یکدیگر مواجهه داشته باشند.</p>
حضور گروه‌های مختلف اجتماعی	اجتماعی	حضور از همه اقشار در فضا	<p>ایده آل فضا همین است که فضاها پذیرای حضور تمام قشرها در کنار یکدیگر باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۵ و ۷) (عکس الف و ج).</p> <p>استفاده زنان از فضا در سنین مختلف و با پوشش متفاوت می‌تواند یک نقطه قوت باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۳).</p>
		ارتباطات بین فرهنگی	<p>- جامعه روستایی با قرار گرفتن در شهر، فرهنگ شهرنشینی را نیز دریافت خواهد کرد (عکس د). به طوری که نشان داده شده، نسل جوان پوششی متفاوت از مادران و نسل قبل دارند که نشان از تغییر آنان در فضا است. در واقع فعالیت‌های مشارکتی در فضا می‌تواند ارتباط بین فرهنگی و تبادل رفتارهای فرهنگی را به تدریج به دنبال داشته باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۲ و ۷ و ۱۰).</p> <p>- در جامعه‌شناسی شهری، شهر به عنوان کارخانه انسان‌سازی است با توجه به اینکه امکانات و مزایای بیشتری در شهر موجود است؛ فردی که به جامعه شهری وارد می‌شود ممکن است بر اساس ساختارها و الگوهای فرهنگی مدرن‌تر در جامعه رفتار کند (مصاحبه‌شونده شماره ۵).</p>

تصویر ۷. پیاده‌سازی و تحلیل محتوای استنتاجات متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

طبقه‌بندی شده‌اند^{۱۴}. حوزه‌ها برپایه مرور ادبیات نظری به صورت مستقل تعریف و در تصویر ۸ نمایش داده شده‌اند. تحلیل‌ها با رعایت امانت در نقل عبارات متخصصان، به فهم عمیق‌تری از وضعیت فضایی زنان در این پارک منتهی شده است.

• **تحلیل ترجیحات فضایی بانوان براساس پرسشنامه** آنگونه که در بخش روش تحقیق توضیح داده شد، مؤلفه‌های مربوط به ترجیحات محیطی زنان که از تحلیل تصاویر توسط متخصصان استخراج شده بودند، با نظرسنجی از ۴۰ نفر از کاربران فضا در قالب صفات دوقطبی و مقیاس لیکرت ارزیابی شدند. نتایج نشان داد که بیشتر مؤلفه‌ها با دیدگاه کاربران هم‌خوانی دارد و تنها در دو مورد اختلاف جزئی مشاهده شد (جدول ۱).

در این پژوهش، با مقایسه دیدگاه‌های متخصصان و ترجیحات کاربران درباره مناسب‌سازی فضای شهری تخت سفر، ابعاد رفتاری و زمینه‌ای مؤثر بر حضور زنان در فضا بررسی شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که ترجیح زنان بر حضور در فضا به همراه خانواده، هم‌زمان بازنمایی از شرایط فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و تأثیر ساختارهای مسلط بر ذهنیت و رفتار فضایی آنان است. با آنکه زنان بر آزادی و برابری در استفاده از فضا تأکید دارند، این آزادی از منظر آنان

(E"34.374368, N"62.223353) از جمله باغ‌هایی است که در نیمه نخست قرن دهم هجری قمری، به فرمان سلطان حسین بایقرا بنیان شده است. این پارک در همجواری با کاربری‌هایی چون خوابگاه دخترانه دانشگاه هرات، مدرسه و فضاهای باز و تجمعی برای (برگزاری اجتماعات) و دسترسی آسان به آن از طریق حمل و نقل عمومی از شریان اصلی هلال احمر(خیابان رودکی) جذب ساختارهای مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را داشته است. با این حال، به رغم عمومی بودن، ساختارهای فرهنگی و کالبدی، آن را به فضایی عمدتاً مردانه بدل ساخته‌اند. حضور زنان در این فضا اغلب گروهی، محتاطانه و در نقاط محصور صورت می‌گیرد تا از معرض دید و توجه عمومی دور بمانند.

این پژوهش، از طریق مستندسازی تصویری فعالیت‌های زنان، به تحلیل ترجیحات فضایی آنان پرداخته و تعاملاتشان با محیط را در دو بُعد کالبدی و رفتاری بررسی کرده است. تصاویر منتخب (تصاویر ۲ تا ۷)، رفتارهای عمومی زنان را ثبت و امکان شناسایی عوامل مؤثر بر این کنش‌ها را فراهم کرده‌اند. در تحلیل محتوای تصاویر و نظرات متخصصان، مؤلفه‌های متعددی استخراج شده است. تصاویر ۲ تا ۷ که در قالب دو دسته «عاملیت فضایی» (ناشی از ویژگی‌های کالبدی) و «عاملیت غیرفضایی» (ریشه‌دار در عوامل فرهنگی و اجتماعی)



تصویر ۸. مؤلفه‌های مؤثر بر نحوه حضور و استفاده زنان از فضای شهری. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. ارزیابی ترجیحات محیطی زنان منتخب از فضای پارک تخت سفر، قسمت تیره دایره‌های درون جداول؛ نشان‌دهنده میزان تمایل به انتخاب (وزن عددی مورد نظر را نشان می‌دهند). مأخذ: نگارندگان.

ترجیحات محیطی زنان بر اساس درک مستقیم تجربه کاربران	1	2	3	4	5	ترجیحات محیطی زنان مستخرج از تحلیل تصاویر توسط متخصصان
فضاهای مختلط خانوادگی	●	●	●	●	●	تفکیک جنسیتی فضاها
آزادی فضایی و حقوق برابر برای زنان در برخورداری از امکانات در فضایی مختلط	●	●	●	●	●	دسترسی به امکانات رفاهی مناسب در فضایی مختص بانوان
ترجیح بر فضاهای باز و حائل‌های نرم	●	●	●	●	●	ترجیح بر فضاهای محصور
ترجیح بر فضاهای شلوغ و مختلط و نظارت فعالانه طبیعی	●	●	●	●	●	ترجیح گوشه‌های دنج و خلوت و بدون دید
احساس استقلال و اختیار در فضاهای مختلط	●	●	●	●	●	احساس آسیب‌پذیری و نیاز به حفاظت
اشتراک در پذیرش نقش مراقبت از فرزند توسط والدین	●	●	●	●	●	پذیرش نقش کامل مراقبت از فرزند توسط مادران
اختلاط فضایی- فرهنگی و اشتراک فرهنگ‌ها	●	●	●	●	●	جدایی‌گزینی فضایی- فرهنگی براساس قومیت و فرهنگ‌ها

بحث

مفهوم جنسیت در جغرافیای افغانستان تفاوت‌های قابل توجهی با سایر مکان‌ها دارد. شاید در یک مقایسه جهانی، بحث اسلامی بودن این بستر، اولین موضوع باشد که در تعیین جایگاه زن در شهر تاثیرگذار شناخته می‌شود، اما در این زمینه نیز از کشورهای جوامع اسلامی کاملاً متمایز است. با اینکه اسلامی بودن زمینه‌ای مهم در شکل‌گیری جایگاه زنان در شهر است، اما در افغانستان، برخلاف دیگر کشورهای اسلامی با پیشینه فرهنگی مشابه، سیاست‌نقشی پررنگ‌تر در تعریف هویت زنان ایفا کرده است. این مسئله به‌ویژه در فضاهای شهری مشهود است؛ چنان‌که پارک تخت سفر به شکلی خودانگیخته و بدون برنامه‌ریزی، به فضایی مردانه بدل شده که سلطه جنسیتی در آن به‌وضوح قابل مشاهده است. در این باره، مطالعات بل و کاسکلا (Bell, 1998; Koskela, 1999) سلطه مردانه بر فضا را با ذهنیت و خشونت پیوند می‌زنند درحالی‌که این موضوع در تخت سفر به‌صورت برون‌افکنی فضایی تجلی یافته است.

اگرچه فضاهای شهری افغانستان «عمومی» نامیده می‌شوند، اما ماهیتی متفاوت با تعریف نظری فضای عمومی دارند؛ چراکه نادیده گرفتن نیازهای زنان، فضایی غیرپاسخگو برای آنان رقم زده است. مردسالاری فرهنگی، مذهبی بودن فضا، و کنترل اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ترجیحات زنان داشته‌اند. آنان در نبود امنیت، نظارت اجتماعی را ترجیح می‌دهند، اما در صورت احساس امنیت، محرومیت از دید و دوری از نگاه‌ها را بر آزادی فضایی ترجیح می‌دانند.

در این زمینه، نظریه «چشمان خیابان» جیکوبز، که بر نقش حضور عابران در افزایش امنیت تأکید دارد، در بستر فرهنگی افغانستان قابل تعمیم نیست. چرا که در تخت سفر، حضور دیگران (غریبه‌ها) نه تنها امنیت‌آفرین نیست،

باید در چارچوب فرهنگی خودشان تعریف شود. تحلیل‌های کیفی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ترس از نگاه عمومی، در کنار محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی، تمایل به حضور در فضاهای خارج از دید را تقویت می‌کند (تصویر ۳، عکس ب). در عین حال، پاسخ منفی به ضرورت همراهی محافظتی، گویای آن است که با بهبود شرایط فضایی، زنان ترجیح بیشتری به استقلال نشان می‌دهند. به‌ویژه نقش همراهی مردان نه از سر وابستگی، بلکه برای محافظت در برابر ناامنی‌های موجود معنا می‌شود (تصویر ۴، عکس الف). همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که تفاوت‌های قومیتی، مذهبی و قشربندی اجتماعی در میان زنان افغان، بر نگرش آنان نسبت به نقش‌های جنسیتی، ارتباطات بین‌فرهنگی و مسئولیت‌های خانوادگی مؤثر است. تمایل کمتر به اختلاط فرهنگی و پذیرش متفاوت نقش‌های مراقبتی براساس طبقه و اصالت شهری، مؤید تأثیر لایه‌های فرهنگی-اجتماعی بر ترجیحات فضایی زنان در جامعه مورد مطالعه است.

• یافته‌های استنباطی

به‌منظور سنجش معنی‌داری هر یک از مؤلفه‌های مورد نظر، در گام نخست، میانگین هر مؤلفه ارزیابی و سپس، آزمون مقایسه میانگین‌ها در یک مجموعه آماری (One Sample T-Test) در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت و با سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی شد (جدول ۲). در نهایت پس از جمع‌بندی نتایج نمودار خطی توصیفات آماری ارائه شده است (تصویر ۹). تحلیل آماری نشان می‌دهد که ترجیحات فضایی زنان در دو مؤلفه- تمایل به فضاهای محصور و پرهیز از تعاملات بین‌فرهنگی - دارای تفاوت معنادار بوده و تا حدی بازتاب الگوهای فرهنگی و ارتباطی زنان افغان است؛ با این حال، تأیید نهایی این ارتباط نیازمند مطالعات بیشتری است.

جدول ۲. One-Sample Test. مأخذ: نگارندگان.

		Test Value = 3				
		Confidence Interval 95%				
ترجیحات محیطی زنان مستخرج از تحلیل تصاویر توسط متخصصان	T	Sig. 2-tailed	Mean	ترجیحات محیطی زنان براساس درک مستقیم تجربه کاربران		
تفکیک جنسیتی فضاها	-۳/۷۴۹	/۰۰۱	۲/۳۰۰۰	فضاهای مختلط خانوادگی		
دسترسی به امکانات رفاهی مناسب در فضایی مختص بانوان	-۳/۹۸۶	/۰۰۰	۲/۲۲۵۰	آزادی فضایی و حقوق برابر برای زنان در برخورداری از امکانات در فضایی مختلط		
ترجیح بر فضاهای محصور	-۱/۳۹۳	/۱۷۲	۲/۷۰۰۰	ترجیح بر فضاهای باز و حائل‌های نرم		
ترجیح گوشه‌های دنج و خلوت و بدون دید	-۵/۸۷۴	/۰۰۰	۲/۰۲۵۰	ترجیح بر فضاهای شلوغ و مختلط و نظارت فعالانه طبیعی		
احساس آسیب‌پذیری و نیاز به حفاظت	-۶/۴۴۴	/۰۰۰	۲/۰۵۰۰	احساس استقلال و اختیار در فضاهای مختلط		
پذیرش نقش کامل مراقبت از فرزند توسط مادران	-۳/۳۴۰	/۰۰۲	۲/۳۵۰۰	اشتراک در پذیرش نقش مراقبت از فرزند توسط والدین		
جدایی‌گزینی فضایی- فرهنگی براساس قومیت و فرهنگ‌ها	-۱/۵۹۵	/۱۱۹	۲/۶۷۵۰	اختلاط فضایی- فرهنگی و اشتراک فرهنگ‌ها		



تصویر ۹. نمودار خطی توصیفی ترجیحات بانوان. مأخذ: نگارندگان.

شوند. ویژگی برجسته این مطالعه، تمرکز بر هم‌پوشانی عواملی چون جغرافیا، سیاست، فرهنگ، قوانین مردسالارانه و طراحی غیرحساس به حضور زنان است. دشواری‌های حقوقی و اداری در فرایند انجام تحقیق، نشان‌دهنده محدودیت‌های شدید کنونی برای پژوهش میدانی در افغانستان است. یافته‌ها وابسته به زمان و مکان خاص خود هستند و تعمیم‌پذیری آن‌ها نیازمند بررسی نمونه‌های مشابه است.

نتیجه‌گیری

حضور زنان افغان در فضاهای شهری افغانستان همواره با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو بوده است. در این پژوهش، با تأکید بر مستندسازی رفتارها در فضای جنسیت‌زده تخت سفر، تلاش شده است تا بازنمایی دقیق‌تری از حضور زنان افغان در فضاهای شهری ارائه شود. علاوه بر مرور ادبیات نظری، تمرکز اصلی بر تأثیر بستر فرهنگی و اجتماعی بر عوامل محیطی و الگوهای رفتاری شکل گرفته در فضا است.

بلکه منبع ناامنی و تهدید تلقی می‌شود؛ از این رو، زنان فضاهای بسته، کم‌دید و دارای پوشش گیاهی متراکم را ترجیح می‌دهند.

مسئله احساس آسیب‌پذیری و همراهی مردان نیز از سوی مصاحبه‌شوندگان تأیید شده است. به گفته یکی از پژوهشگران، زنان وجود یک مرد را نماد امنیت می‌دانند. این امر اگرچه به کمبود امنیت مربوط است، اما ریشه‌های آن را باید در فرهنگ مردسالار جست‌وجو کرد؛ فرهنگی که زنان را به نقش‌های مراقبتی محدود و از مشارکت اجتماعی بازمی‌دارد. در چنین بستری، تفریح برای زنان اغلب در پیوند با وظیفه مادری و در کنار کودکانشان معنا می‌یابد.

در سطح ارتباطات اجتماعی نیز تأثیر تعصبات قومی و مذهبی بر الگوهای کلامی و رفتاری زنان مشهود است؛ به گونه‌ای که جدایی فضا و پرهیز از تعاملات فرهنگی بر گفت‌وگو و تعامل اولویت دارد. البته این ترجیحات در بستر حکومت‌های مختلف ناپایدار و متغیر هستند و بسته به زمان و زمینه فرهنگی، می‌توانند دچار دگرگونی یا تضاد

از اعضای محترم هیئت علمی گروه‌های شهرسازی و جامعه‌شناسی دانشگاه هرات که با به اشتراک گذاشتن دانش و تجربیات خود، یاری‌گر ما در رسیدن به اهداف پژوهش بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

1. mainstreaming

2. فضاهای شهری هرات عموماً به دلیل کمبود بودجه پروژه‌های عمومی شهری به بخش خصوصی واگذار شده و جنبه عمومی بودن خود را از دست داده‌اند.

3. Gender-based Violence

4. Liz Rush

5. تاریخ زنان افغان با دوره‌هایی از آزادی‌های نسبی همراه بوده که عمدتاً تحت تأثیر اصلاحات مدرن و ارزش‌های غربی شکل گرفت. با این حال، تنها اقلیتی از زنان از این آزادی‌ها بهره‌مند شدند و اکثریت، هزینه آن را با تجربه خشونت، انقیاد و بی‌ثباتی پرداختند؛ چنان‌که برخی مقامات روسی این آزادی محدود را از عوامل زمینه‌ساز ظهور طالبان دانسته‌اند.

6. دولت طالبان با صدور فرمان‌هایی جدید، محدودیت‌های گسترده‌تری بر حقوق زنان اعمال کرده است؛ از جمله ممنوعیت اشتغال، الزام همراهی محرم برای خروج از خانه، تعیین پوشش اجباری، و محرومیت از خدمات پزشکی، آموزش و رسانه. این اقدامات همگی در راستای حذف زنان از فضاهای عمومی و زندگی شهری صورت گرفته‌اند.

7. به گفته آگوست کنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی رسمی در غرب، «این مردگان‌اند که بیشترین نفوذ را بر زندگی ما دارند». شهرها تحت تأثیر حافظه تاریخی و افسانه‌ها معنا می‌گیرند؛ این پدیده به وضوح در جامعه کنونی افغانستان نمایان است. هویت جنسیتی در بستری از پیش تعیین‌شده و تحمیلی شکل می‌گیرد؛ ساختار حکومتی با شعارهای ایدئولوژیک، حقوق زنان در زمینه‌هایی چون تحصیل، اشتغال، سفر و مشارکت اجتماعی را محدود ساخته و حتی فعالیت‌های ورزشی آنان را ممنوع کرده است.

8. به استثنای شش سال یا بیشتر که تاجیک‌ها در قدرت بودند.

9. Deobandi

10. همانطور که رز در کتاب خود با عنوان «روش‌شناسی‌های بصری: مقدمه‌ای بر تفسیر مواد بصری» اشاره می‌کند، تصاویر بصری می‌توانند بسیار قدرتمند و فریبنده باشند (Rose, 1962). زیرا قادر به ارائه اطلاعات کیفی استثنایی هستند و - هنگامی که در فرایند مباحثه معرفی می‌شوند - به پاسخ‌دهندگان اجازه می‌دهند خاطرات و ویژگی‌های رفتاری نهفته در محیط خود را بهتر بازخوانی کنند.

11. Semantic Differential

12. به دلیل عدم درک دقیق برخی زنان حاضر در سایت از موضوعات پژوهش و نیز پایین بودن سطح سواد بسیاری از آن‌ها، جامعه نمونه به صورت غیر احتمالی و هدفمند انتخاب شد.

13. پاسخ‌های ارائه‌شده بیشتر به نیازهای اولیه کاربران محدود بود و از آنجا که این موارد پیش‌تر توسط متخصصان مطرح شده بودند، از تکرار آن‌ها خودداری شده و در قالب پرسش‌نامه تلفیق و خلاصه شده‌اند.

14. از تحلیل مؤلفه‌ها، تعداد 12 مؤلفه در سطح بالاتر استخراج شد که خود با 6 حوزه موضوعی کلان مرتبط‌اند؛ این حوزه‌ها بر پایه مرور ادبیات نظری به صورت مستقل تعریف و در تصویر 8 نمایش داده شده‌اند.

فهرست منابع

• احمدی نیاسر، میترا. (1400). بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی شهری محلات زعفرانیه و هفت چنار

رفتار زنان و نحوه تعامل آن‌ها با هنجارهای فضایی-فرهنگی از طریق تصویربرداری، مصاحبه و سنجش ترجیحاتشان نسبت به فضا تحلیل شده است.

نتایج تحلیل تصاویر حاکی از آن است که رفتارها در وهله اول متأثر از مؤلفه‌های زمینه‌ای‌اند و سپس تحت تأثیر عرف‌های رایج جامعه افغانستان شکل می‌گیرند. فضاهای عمومی مانند پارک تخت سفر، شاید بتوان اینگونه تلقی کرد که عاملیت‌های محیطی و فضایی نیز گاه تأثیرپذیرفته از بستر موجود هستند؛ آنگونه که در فضای عمومی شهری تخت سفر فعالیت‌ها و تفریحات صرفاً به مردان اختصاص یافته است. برای نمونه با وجود آن که نقش مراقبت از فرزندان عمدتاً بر عهده زنان است، فاقد زیرساخت‌های لازم برای حضور ایمن و فعال آنان است.

در فرهنگ افغان، زنان تمایل بیشتری به قلمروخواهی فضایی دارند؛ آن‌ها ترجیح می‌دهند از فضاهای دور از دید عمومی استفاده کنند و بدون حضور مردان خانواده از فضاهای خانوادگی بهره نمی‌گیرند. این الگوها ممکن است از محدودیت‌های ذهنی یا از فقدان امنیت ناشی شوند. تحلیل عاملیت فضایی، اشرافیت متقابل فضاها را به عنوان یکی از دلایل بازدارنده معرفی می‌کند. با وجود تنوع قومی، تعامل بین زنان از خرده‌فرهنگ‌های مختلف به شکل مورد انتظار صورت نمی‌گیرد و این موضوع به عامل غیر فضایی عدم اعتماد اجتماعی نسبت داده می‌شود.

برای اعتبارسنجی یافته‌ها، از پرسش‌نامه برای سنجش ترجیحات زنان استفاده شده است؛ که نتایج نشان می‌دهد که در اغلب موارد تطابق نسبی میان تحلیل‌های کارشناسی و ترجیحات کاربران وجود دارد، اگرچه در دو مورد افتراق دیده می‌شود. زنان تمایل دارند از نگاه‌های بیرونی دور باشند و فضاهای محصور را ترجیح می‌دهند، در حالی که متخصصان با پیشنهادهای طراحی‌شده محدودیت آنان در استفاده از فضاهای باز را تا حدودی متعادل تر می‌سازند و در موردی دیگر متخصصین عدم اختلاط بین فرهنگی را ناشی از نبود اعتماد اجتماعی معرفی می‌کنند و ایجاد فعالیت‌های مشترک بین فرهنگی در فضا را راهی برای افزایش تعاملات در فضا می‌دانند در صورتی که ترجیح زنان عدم تمایل به اختلاط فضایی-فرهنگی است. این اختلاف دیدگاه‌ها ضرورت مطالعات تطبیقی آتی در بسترهای مشابه در هرات و دیگر شهرهای افغانستان را برجسته می‌سازد.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از تمامی افرادی که در روند انجام این پژوهش نقش مؤثری ایفا کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

Assessing Women's Rights in Afghanistan in 2014: Many Stumbling Blocks on the Way towards Equality. Washington D.C. https://us.boell.org/sites/default/files/kasa_-_womens_rights_09.2014

• Kiavar, D. (2011). *User Assessment in Public Spaces by Gender: A Survey on Seğmenler and Keçiören Parks in Ankara* (Publication No. 31670423) [Master's thesis, Middle East Technical University]. <https://shorturl.at/qZ3kY>

• Koskela, H. (1999). Gendered Exclusions?: Women's Fear of Violence and Changing Relations to Space. *Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, 81(2), 111-124. <https://doi.org/10.1111/j.0435-3684.1999.00052.x>

• Moghadam, V. M. (2002). Patriarchy, the Taleban, and Politics of Public Space in Afghanistan. *Women's Studies International Forum*, 25(1), 19-31. [https://doi.org/10.1016/S0277-5395\(02\)00224-8](https://doi.org/10.1016/S0277-5395(02)00224-8)

• Mowl, G., & Towner, J. (1995). Women, Gender, Leisure and Place: Towards a More 'Humanistic' Geography of Women's Leisure. *Leisure Studies* 14(2), 102-116. <https://doi.org/10.1080/02614369500390091>

• Mushkani, R., & Haruka, O. (2021). The Role of Land Use and Vitality in Fostering Gender Equality in Urban Public Parks: The Case of Kabul City, Afghanistan. *Habitat International*, 118(2), 102462. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102462>

• Navarrete-Hernandez, P., Vetro, A., & Concha, P. (2021). Building Safer Public Spaces: Exploring Gender Difference in the Perception of Safety in Public Space through Urban Design Interventions. *Landscape and Urban Planning*, 214, 104180. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104180>

• Neaga, D. E. (2014). Doing and Undoing Gender in Urban Spaces. *The University Square Bucharest. AnALize: Revista de studii feministe*, 3(17), 28-49. <https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=639723>

• Noury, A. G., & Speciale, B. (2016). Social Constraints and Women's Education: Evidence from Afghanistan under Radical Religious Rule. *Journal Comparative Economics* 44(4), 821-841. <https://doi.org/10.1016/j.jce.2016.07.005>

• Peimani, N., & Kamalipour, H. K. (2016). Where Gender Comes to the Fore Mapping Gender Mix in Urban Public Spaces. *Spaces and Flows: An International Journal of Urban and Extra Urban Studies* 8(1), 19-30. <https://dx.doi.org/10.18848/2154-8676/cgp/v08i01/19-30>

• Pour hossein roshan, H., Pourjafar, M., & Aliakbari, S. (2021). Explaining the Approach of Gender Justice in Urban Spaces Case Study: Urban Space of Imam Rasht Sister Complex. *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 4(10), 115-145. <https://doi.org/10.18848/2154-8676/cgp/v08i01/19-30>

با نیازهای زنان. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهبشتی]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/ecf5c4528ef2a38291c029aee306b6e4>

• حسینی، زینب. (۱۴۰۲). طراحی فضای شهری جنسیتی شده پارک تخت سفر در جهت افزایش حضورپذیری زنان/افغان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/4a7c62fefe77ff4775dd1b1d3d1795a8>

• صادقی، فاطمه. (۱۳۸۴). سیاست برقع زنان افغان پیش و پس از طالبان. گفتگو آذر ۴۴. <http://noo.rs/GS7c4>

• غلامی هتکه لویی، شقایق. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی حضورپذیری زنان در فضاهای شهری (موردپژوهش: ناحیه ۱ منطقه ۱۱ شهر تهران) [کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/9e6418442adca2eb3600e8b2021dd818>

• فراهانی، مریم. (۱۳۹۷). مناسب سازی فضای عمومی شهری برای حضورپذیری خانواده ها با تأکید بر تجربه زیسته زنان (بازطراحی باغ گلستان تبریز و بافت پیرامون آن) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/cles/8ee27477c8068d37bb2efe93b82c21c0>

• Alderton, A., Henry, N., Foster, S., & Badland, H. (2020). Examining the Relationship between Urban Liveability and Gender-Based Violence: A Systematic Review. *Health & Place*, 64, 102365. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2020.102365>

• Baydar, G. (2012). Sexualised Productions of Space. *Gender, Place & Culture* 19(6), 699-706. <https://doi.org/10.1080/0966369X.2012.675472>

• Bell, W. (1998). Women and Community Safety. *Bell Planning Associates South Australia*, 32, 11-73.

• Damyanovic, D., Reinwald, F., & Weikmann, A. (2013). *Gender Mainstreaming in Urban Planning and Urban Development*. Urban Development Vienna, Vienna.

• Day, K. (1999). Introducing Gender to the Critique of Privatized Public Space. *Journal of Urban Design* 4(2), 155-178. <https://doi.org/10.1080/13574809908724444>

• Gałkowski, M., & Antosz, P. (2022). "The Hidden Boundaries of Public Space: Awareness of Civil Rights Restrictions in Privatized Urban Squares in Poland. *Cities*, 127, 103722. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103722>

• Kandiyoti, D. (2007). Old Dilemmas or New Challenges? The Politics of Gender and Reconstruction in Afghanistan. *Development and Change* 38(2), 169-99. <https://doi.org/10.1111/j.1467-7660.2007.00408.x>

• Karimi, M. A. (2011). The West Side Story?: *Urban Communication and the Social Exclusion of the Hazara People in West Kabul* [Unpublished master's thesis]. University of Ottawa.

• Kasa, T. (2014). *Published by the Heinrich Böll Stiftung*

org/10.22054/urdp.2021.50702.1195

- Rezazadeh, R., & Mohammadi, M. (2009). An investigation on the factors limiting women's presence in urban space. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 1(38), 105-114. <https://doi.org/20.1001.1.22286020.1388.1.38.10.4>
- Riger, S., Gordon, M. T., & LeBailly, R. K. (1982). Coping with Urban Crime: Women's Use of Precautionary Behaviors. *American Journal of Community Psychology* 10(4), 369-86. <https://doi.org/10.1007/BF00893977>
- Rose, Gillian. (1962). *Visual Methodologies An Introduction to the Interpretation of Visual Materials*. Thousand Oaks, Calif. : Sage, 2001.
- Rush, L. M. (2012). An Autoethnography of Fuencarral 43: Women in Masculine Public Space. *The Journal*

for Undergraduate Ethnography, 2(1), 1-13. <https://doi.org/10.15273/jue.v2i1.8120>

- Tandogan, O., & Bige Simsek, I. (2016). Fear of Crime in Public Spaces: From the View of Women Living in Cities. *Procedia Engineering*, 161, 2011-2018. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.08.795>
- Velázquez, Isabela et al. (2006). "Urbanism & Gender A Necessary Vision for All." Institut d'Edicions de la Diputació de Barcelona. <https://www.diba.cat/documents/540797/544667/seep-fixters-urbanismgender>
- World Bank Group. (2020). "Handbook for Gender-Inclusive Urban Planning and Design." <https://documents1.worldbank.org/curated/en/363451579616767708/pdf/Handbook-for-Gender-Inclusive-Urban-Planning-and-Design>.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
حسینی، زینب و قهرمانی، هومن. (۱۴۰۴). بازنمایی حضور زنان افغان در فضاهای شهری جنسیت‌زده (مروری بر تجربه پارک تخت سفر هرات، افغانستان). *باغ نظر*، ۲۲(۱۴۶)، ۷۳-۸۸.

DOI: [10.22034/bagh.2025.484312.5691](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.484312.5691)
URL: https://www.bagh-sj.com/article_222648.html?lang=fa

